



دکتر سیداکرم حکیم

شهید حکیم یکی از بنیانگذاران اصیل جنبش اسلامی عراق

گفت‌وگویی «شاهد یاران» با دکتر سیداکرم حکیم
وزیر گفتمان ملی عراق

دکتر سیداکرم حکیم که پیش از این مسئولیت بخش روابط خارجی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق را برعهده داشت به دلیل ارتباط نزدیک و طولانی با شهید بزرگوار آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم از زوایای ظریف دیدگاه‌ها و گوشه‌هایی از ژرف‌اندیشی فکری و سیاسی آیت‌الله حکیم آگاهی دارد که در گفت‌وگو با «شاهد یاران» به بخش‌هایی از آنها اشاره می‌کند

طول مدت مبارزه، اساس کار و خط‌مشی جنبش‌های مبارز عراقی را تشکیل می‌داد.

بی‌تردید می‌توان گفت که آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر حکیم برای تداوم مبارزه و فراهم آوردن امکانات لازم و نیازمندی‌های مبارزه به خارج از کشور هجرت کرد، چراکه شرایط داخلی آن روز عراق اجازه کمترین حرکتی را نمی‌داد.

با این وصف آیا می‌توان گفت که شهید محراب آیت‌الله حکیم دیدگاه نظامی هم داشت؟

آری... آیت‌الله حکیم ضمن اینکه در مسائل سیاسی پیشگام، و درباره چگونگی مبارزه با رژیم علفی صاحب‌نظر بود، دیدگاه او با دیگر صاحب‌نظران آن روز هم به کلی متمایز بود. شاید برخی جنبش‌های اسلامی و بسیاری احزاب معارض ملی‌گرای عراق پس از شهادت آیت‌الله صدر، ابتکار عمل را از دست داده، و یا منزوی شده بودند. در حقیقت آیت‌الله حکیم، دو مکتب بزرگ فکری و سیاسی معاصر که همانا مکتب شهید سیدمحمدباقر صدر و مکتب امام خمینی (ره) بود را در خود خلاصه کرده بود.

زمانی که آیت‌الله حکیم به جمهوری اسلامی ایران مهاجرت کرد چه شرایطی در عراق حاکم بود؟

یکی از مهم‌ترین دلایل کودتای جناح راست‌گرای حزب بعث در عراق در ژوئیه سال ۱۹۶۸، رویارویی با جنبش اسلامی و مرجعیت دینی است که توانسته بودند جریانات مردمی اسلامی را پس از شکست اعراب در جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ در برابر اسرائیل رهبری کنند. کودتاجیان به محض اینکه قدرت را در دست گرفتند، رویارویی کینه‌توزانه‌شان را با مرجعیت آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم و آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدباقر صدر، و تبعید صدها روحانی به ایران و تضعیف حوزه‌های علمیه نجف اشرف و کربلا آغاز کردند.

آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم بود به خارج از کشور مهاجرت کردند. او به صورت محرمانه از طریق مرز اردن از عراق خارج شده و همراه خانواده‌اش در آپارتمانی ساده در محله ابورمانه در غرب دمشق سکونت داشت.

اواخر ماه اوت سال ۱۹۸۰ با آیت‌الله حکیم دیدار کردم و پس از استقبال گرم و احوال‌پرسی، متن دستنویس طرحی را به من ارائه داد که عنوان آن «نگرش کلی به دورنمای پیکار در عراق» بود. از من خواست این متن

یکی از مهم‌ترین دلایل کودتای جناح راست‌گرای حزب بعث در عراق در ژوئیه سال ۱۹۶۸، رویارویی با جنبش اسلامی و مرجعیت دینی است که توانسته بودند جریانات مردمی اسلامی را پس از شکست اعراب در جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ در برابر اسرائیل رهبری کنند

را مطالعه کنم و سپس درباره راه‌های اجرای آن با هم بحث و تبادل نظر کنیم.

این طرح متضمن چه نکاتی بود؟

این اولین بار بود که با آقای حکیم از نزدیک آشنا شدم و سپس همکاری با ایشان را در چارچوب مؤسساتی که تأسیس کردند، آغاز کردم و این همکاری حدود بیست سال ادامه داشت. شکی نیست که آیت‌الله حکیم در این طرح پیشنهادی دیدگاه جامع و حساب‌شده‌ای برای شیوه حرکت سیاسی در عراق ارائه داده بود که در

ابتدا بفرمایید اولین بار چگونه با شهید محراب آیت‌الله حکیم آشنا شدید؟

در حقیقت، چند ماهی از شهادت فجیع آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر به دست صدام در کاخ ریاست جمهوری عراق نگذشته بود که یکی از رابطین سرشناس ایشان با مسئولان جنبش‌های اسلامی عراق که با شهید صدر بیعت کرده بودند تا برای دفاع از حقوق مردم عراق و دفاع از اسلام و مبارزه با رژیم حزب بعث از رهنمودهای مراجع عظام پیروی کند. در پاییز سال ۱۹۸۰ در دمشق با من دیدار کرد و علاقه‌مندی آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم را برای ملاقات و گفت‌وگو به اطلاع من رساند.

عراق در پاییز همان سال به صحنه کشتار وسیع علما و طلاب علوم دینی و رهبران و کادرها و هواداران جنبش‌های اسلامی و ملی تبدیل شده بود. آن روز رژیم صدام گام‌های بلندی برای تبدیل عراق به اطاق عملیات نظامی قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بر علیه انقلاب اسلامی ایران برداشته بود. چراکه آنها از سقوط شاه و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی آسیب دیده و نگران سرنوشت خود شده بودند. قدرت‌های بزرگ ابتدا به صدام تکریتی چراغ سبز نشان دادند تا بر علیه احمد حسن البکر رئیس‌جمهور پیشین که مردی سست و ضعیف بود کودتا کند. سپس صدام یک‌سوم اعضای شورای فرماندهی حزب بعث و برخی وزیران و فرماندهان ارتش را قتل‌عام کرد تا خود را مرد شماره یک عراق قرار دهد و این کشور را برای جنگ تجاوزگرانه بر ضد ایران آماده کند.

در نتیجه این سیاست سرکوبگرانه و بازداشت‌ها و اعدام‌های دسته‌جمعی، هزاران تن از کادریان جنبش اسلامی و ملی و روحانیون از جمله آقای سیدمحمدباقر حکیم که یکی از روحانیون سرشناس عراق و فرزند



جامع شرایط بوده و در کلاس‌های درس مراجع بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف، علوم دینی را فراگرفته است به تدریس احکام و علوم اسلامی در سطوح مختلف در حوزه نجف و نیز در دانشگاه اصول دین بغداد اشتغال داشته و در عین حال یکی از بنیانگذاران اصیل جنبش اسلامی معاصر عراق در نیمه دوم قرن بیستم نیز بوده است.

شهید حکیم به محض خروج از عراق و مهاجرت به ایران، خلاصه تجربیات و تخصص و طرح‌های خود را تدوین کرد، و آن را دستورالعمل مبارزه خستگی‌ناپذیر با رژیم خونخوار صدام قرار داد. پس از گذشت چند ماه از تدوین طرح (نگرش کلی به دورنمای پیکار در عراق) طرح مهم دیگری ارائه و در آن اصول و اهداف جماعت علمای مجاهد عراقی را ترسیم نمود. متعاقب آن طرح سیاسی آینده عراق و ده‌ها کار پژوهشی دیگر را ارائه کرد که همه این بحث‌ها نقش بسزایی در تبلور حرکت سیاسی جدید بر مبنای اهداف اسلامی و ملی داشت. این طرح‌ها و دیدگاه‌ها چهره مبارزه و فعالیت‌های سیاسی گروه‌های مبارز عراقی را دگرگون کرد. به‌ویژه اینکه در صحنه مبارزات سیاسی عراق پس از شهادت آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر دچار خلاء رهبری شده بود، و بسیاری از سازمان‌ها و گروه‌های اسلامی سرگرم مشکلات و گرفتاری‌های روزمره خودشان بودند.

آیت‌الله حکیم بر اساس طرح‌های براندازی، چه گزینه‌هایی را در اولویت برنامه‌های مبارزه خود پیش‌بینی کرده بود؟

آقای حکیم در طرح دورنمای کلی پیکار در عراق ابتدا اوضاع سیاسی عراق و ماهیت سیاست‌های جنایتکارانه رژیم حزب بعث از سال ۱۹۶۸ را شرح داده و سپس سه گزینه برای اصلاح وضع موجود ارائه داد که عبارت‌اند از:

گزینه اول) اقدام به کودتایی نظامی؛

گزینه دوم) برپایی قیام مردمی مانند انقلاب اسلامی ایران؛ و

گزینه سوم) آغاز مبارزه مسلحانه مردمی از درون اراضی آزادشده در جنوب و شمال عراق.

شهید حکیم بر این باور بود که کودتای نظامی، کوتاه‌ترین راه براندازی است، و در عراق و کشورهای جهان سوم همواره این شیوه معمول بوده است. اما، با توجه به اینکه عوامل نزدیک صدام در تشکیلات ارتش و همه نهادهای نظامی و حزب بعث و خاندان تکریتی‌ها و سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی رخنه کرده و همه عناصر مشکوک را به قتل رسانده‌اند، دست زدن به کودتا کاری دشوار به نظر می‌رسد. افزون بر آن صدام نیروهای مخصوص، واحدهای ویژه و گارد ریاست جمهوری را به وجود آورده و آنان را به سلاح‌های مدرن مجهز کرده و هر کدام از این تشکیلات را ناظر و مراقب دیگری قرار داده و موقعیت‌های کلیدی و حساس را به فرزندان عشایر تکریت واگذار کرده است.

از سوی دیگر، در دهه هشتم قرن بیستم برخی قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای متعهد شده بودند همه گونه اطلاعات را در اختیار صدام قرار دهند تا از وقوع کودتا جلوگیری کنند. اما، همه این کمک‌ها مانع تلاش‌های براندازی نمی‌شده است. در جریان جنگ ایران و عراق برخی آگاهان اطلاع دارند که گروهی

اسلامگرایان از جمله آیت‌الله حکیم را آزاد کرد. در پی گسترش موج ترور و ارباب، بسیاری از نمایندگان مراجع و خطبا و وعاظ و هواداران جنبش اسلامی و ملی به کشورهای همجوار همچون ایران و سوریه و سایر شیخ‌نشینان خلیج فارس پناهنده شدند و جنبش‌های کرد نیز از این سرکوب و آوارگی مستثنی نبودند.

شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم که رویدادهای دهه‌های ششم و هفتم قرن بیستم در عراق را با چشمان خود دیده بود و رفتار نظام‌های حاکم با حوزه‌های علمیه و با مراجع تقلید را آزموده بود، اوضاع و تحولات آینده را پیش‌بینی می‌کرد. به همین دلیل تصمیم گرفت مسئولیت سنگین دینی و ملی رویارویی با رژیم حزب بعث را بر عهده بگیرد و برای دستیابی به این هدف برنامه و خط‌مشی جامع تدارک ببیند.

روابط آقای حکیم با شهید صدر چگونه بود و چه نقشی در جنبش اسلامی عراق داشت؟
نظر به اینکه ایشان فرزند آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدحسن

آنگاه حمله‌های روزمره به‌منظور بازداشت و شکنجه و ترور رهبران جنبش اسلامی همچون حزب الدعوه اسلامی و تشکیلات جوانان مسلمان و سازمان اخوان المسلمین و حزب التحریر، گروه القاندیون، جریان شیرازی‌ها در کربلا و سایر سازمان‌ها و محافل اسلامی عراق آغاز شد.

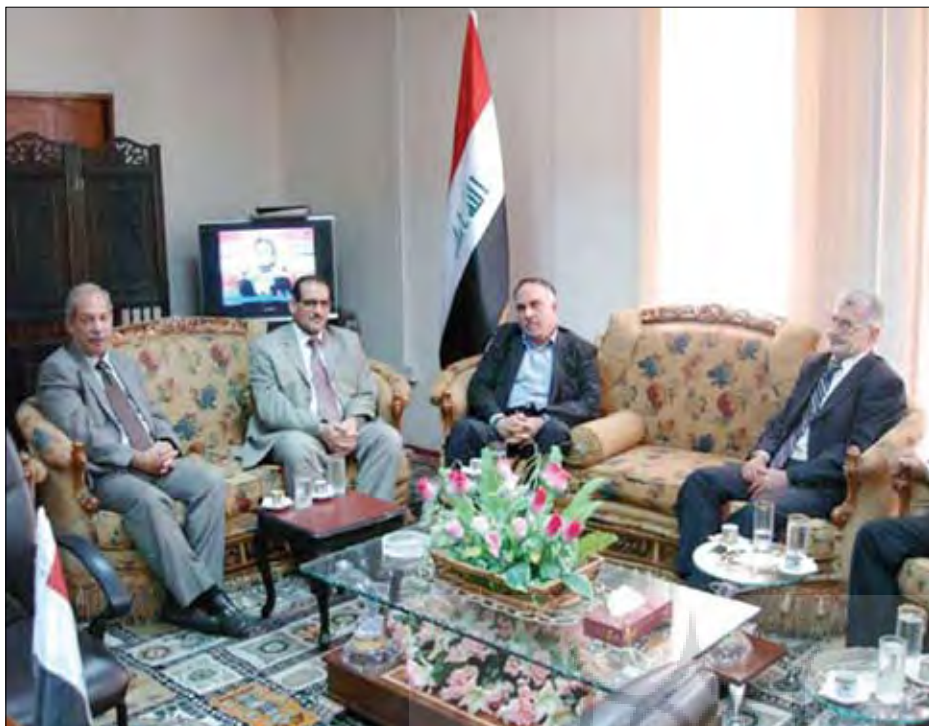
در نتیجه این اقدامات، پنج تن از برجسته‌ترین رهبران حزب الدعوه از جمله شیخ عارف بصری نماینده شهید صدر و برخی مسئولان جنبش‌های دانشجویی به شهادت رسیدند. و نیز شیخ عبدالعزیز البدری از روحانیون بزرگ اهل سنت در سال ۱۹۶۹ در بغداد به قتل رسید، و آیت‌الله مجاهد سیدحسن شیرازی به شدت شکنجه شد که یک دهه بعد در بیروت به دست عوامل حزب بعث به شهادت رسید. این جنایات از زمان اشغال عراق توسط انگلستان در سال ۱۹۲۰ که گروهی از علمای دین را به قتل رساندند سابقه نداشته است.

آیا آغاز انقلاب اسلامی در ایران، تأثیری بر تشدید محاصره علمای دین و جنبش اسلامی عراق داشته است؟

با ظهور نشانه‌های پیروزی انقلاب و در آستانه سقوط قرار گرفتن رژیم شاهنشاهی در ایران، طرح ریشه‌کنی همه مراجع تقلید و رهبران و هواداران سایر جنبش‌های اسلامی و ملی عراق از اواخر سال ۱۹۷۸ میلادی به مورد اجرا گذاشته شد. این اقدامات سرکوبگرانه در حد فاصل پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن سال ۱۳۵۷ تا شهادت آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ به اوج رسید. چراکه برای رژیم دیکتاتور حزب بعث، و قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای که از او پشتیبانی می‌کردند، روشن شده بود که مراجع تقلید و رهبران جنبش‌های اسلامی توان بسیج مردم و رهبری مبارزه تا سرنگونی صدام و تحقق پیروزی را دارند. و به همین دلیل عملیات سرکوبگرانه را شدت بخشیدند. در چنین شرایطی آقای سیدمحمدباقر حکیم پس از گذراندن دو سال در زندان ابوغریب و پس از آزادی بیدرنگ از عراق مهاجرت کرد. رژیم عراق آیت‌الله حکیم را به اتهام شرکت در راهپیمایی ماه صفر سال ۱۹۷۷ از نجف به کربلا برای شرکت در مراسم عزاداری اربعین بازداشت شده بود، و رژیم صدام به‌منظور فریب افکار عمومی، گروهی از

با ظهور نشانه‌های پیروزی انقلاب و در آستانه سقوط قرار گرفتن رژیم شاهنشاهی در ایران، طرح ریشه‌کنی همه مراجع تقلید و رهبران و هواداران سایر جنبش‌های اسلامی و ملی عراق از اواخر سال ۱۹۷۸ میلادی به مورد اجرا گذاشته شد.

حکیم، تنها مرجع تقلید وقت طایفه شیعه بوده و به نمایندگی از سوی پدر در بسیاری از مراسم و فعالیت‌های دینی و سیاسی و فرهنگی شرکت می‌کرده و در عین حال یکی از نزدیکان آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر نیز بوده است. شهید صدر در بسیاری از کارها و مأموریت‌های ویژه که به توانمندی‌های علمی و سیاسی و اجتماعی نیاز داشت از آقای حکیم کمک می‌گرفت. شهید آیت‌الله حکیم، افزون بر اینکه مجتهد و فقیه



نظر شما دیدگاه شهید حکیم درباره مسائل خارجی به‌ویژه قضیه فلسطین در حین مبارزه و پس از سرنگونی صدام چگونه بود؟

همان‌گونه که می‌دانید، عراق یکی از کشورهای مهم منطقه است، و به هیچ وجه نمی‌تواند از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی فاصله بگیرد. اما، متأسفانه دولت حزب بعث همواره برای کشورهای همسایه دردسز آفرین بوده است. هشت سال با جمهوری اسلامی ایران جنگ کرد، روزی کویت را به اشغال درآورد و روزی دیگر عربستان و سوریه را تهدید به جنگ کرد.

آیت‌الله حکیم عقیده داشت که عراق نباید میدان کشمکش و عامل تهدید دیگران باشد. باید اوضاع منطقه را به سود مردم عراق و مردم منطقه آرام کرد و سروسامان داد. مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق پیش از سرنگونی صدام، طرح همکاری منطقه‌ای ارائه داد و گفت‌وگوهای دوجانبه، و سه‌جانبه و چهارجانبه با کشورهای منطقه را تشکیل داد که نتایج مثبتی در پی داشت تا لقمه‌ای راحت برای کشورهای بزرگ و یا میدان تسویه حساب‌های دیگران نباشد.

مجلس اعلا در دوران مبارزه، با محافل و سازمان‌های بین‌المللی تماس برقرار کرد تا صدای مظلومیت مردم عراق را به گوش افکار عمومی جهان برساند. در این زمینه گفت‌وگوهای بسیار با خاور پرز دکوئیسار دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد انجام شد و قطعنامه‌هایی از سوی سازمان ملل متحد به سود مردم عراق صادر شد. توجه به مشکلات بزرگ جهان اسلام، همچون سلطه نظامی و سیاسی و اقتصادی قدرت‌های استکبار جهانی بر مسلمانان و تلاش برای حفظ وحدت سیاسی اعراب و یکپارچگی امت اسلامی و مبارزه با توطئه‌های غرب برای دامن زدن به اختلافات و تفرقه میان دولت‌های عربی و اسلامی و نیز ادامه اشغال فلسطین و تلاش صهیونیست‌ها برای تغییر هویت تاریخی این سرزمین به منظور تضعیف مسلمانان از مسائلی هستند که در صدر اهداف و برنامه‌های مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق قرار دارند. ■

آقای حکیم برای سرنگونی رژیم صدام، جنگ مسلحانه چریکی را شیوه‌ای مناسب دانسته بود. چراکه صدام، یک رژیم سرکوبگر و متکی به شبکه‌های اطلاعاتی و امنیتی از اعضای حزب بعث به وجود آورده بود که برگزاری تظاهرات و اعمال فشارهای سیاسی کارساز نبود.

رهبری کند، چون مردم از نظر فکری و تاریخی، به علماء و مراجع دین وابسته‌اند، و از نظر سیاسی رهبری آنان را در ادامه رهبری ائمه اطهار (ع) می‌دانند، و از نظر دینی هم آنان را جانشینان ائمه می‌دانند. و این اصول از اندیشه ولایت فقیه و نقش مجتهدان در حیات امت جوشیده است.

شکی نیست که انقلاب اسلامی ایران به رهبری علما و مراجع دین و رویارویی شهید سیدمحمدباقر صدر با رژیم طاغوتی صدام تأثیر بسزایی در حرکت شهید سیدمحمدباقر حکیم در صحنه عراق داشته است.

شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم تا چه اندازه به پویایی و تجدید حیات حوزه علمیه نجف اشرف اعتقاد داشته است؟

ایشان پس از اینکه اهمیت نقش مرجعیت دینی را مورد تأکید قرار داد، درباره ضرورت اصلاح حوزه‌های علمیه بر اساس معیارهای فکری و اعتقادی و سیاسی و اجتماعی اسلام طرح‌هایی ارائه کرد. آرزو داشت حوزه علمیه نجف اشرف و نهادهای وابسته به آن چارچوبی برای نهضت فراگیر اسلامی باشند، دربرگیرنده توده امت باشند، به مشکلات امت رسیدگی کنند، آرمان امت را تأمین نمایند و جامعه را اصلاح کنند...

جنابعالی حدود ده سال مسئول روابط خارجی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق بوده‌اید. از

از فرماندهان مخالف رژیم عراق در نیروی هوایی، طرحی را تدارک دیدند تا جایگاه صدام را هنگام شرکت در رژه نظامی به مناسبت سالگرد تأسیس ارتش عراق بمباران کنند اما، پادشاه یکی از کشورهای عرب همسایه عراق، به نقل از یکی از سرویس‌های اطلاعاتی مشهور غرب، راز این کودتا را چند روز قبل از وقوع آن به آگاهی صدام رساند.

در مورد گزینه دوم، آقای حکیم معتقد بود که برپایی قیام مردمی همگانی در عراق مانند انقلاب اسلامی ایران، کاری دشوار است. چراکه رژیم صدام و قدرت‌های بین‌المللی از سقوط شاه عبرت گرفته، و اقدامات بازدارنده‌ای را به مورد اجرا گذاشتند، تا این تجربه در عراق تکرار نشود. از سوی دیگر، پس از شهادت آیت‌الله صدر، مرجع تقلید توانمندی که بتواند قیام مردم عراق را رهبری کند وجود نداشت. در همان حال یک مرجع تقلید بزرگ وجود داشت که راه عدم رویایی با نظام حزب بعث را پیش گرفت و در حوزه علمیه نجف اشرف اعلام کرد که شرایط ایران و عراق با هم فرق می‌کند.

در مورد گزینه سوم، آیت‌الله حکیم چه در طرحی ارائه کرده بود؟

آقای حکیم برای سرنگونی رژیم صدام، جنگ مسلحانه چریکی را شیوه‌ای مناسب دانسته بود. چراکه صدام، یک رژیم سرکوبگر و متکی به شبکه‌های اطلاعاتی و امنیتی از اعضای حزب بعث به وجود آورده بود که برگزاری تظاهرات و اعمال فشارهای سیاسی کارساز نیست. استفاده از گزینه جنگ مسلحانه این امکان را برای گروه‌های مخالف فراهم می‌کند تا توانمندی‌های خود را در زمینه‌های نظامی و رزمی و اطلاع‌رسانی و فرهنگی بر ضد رژیم تا سرنگونی آن بسیج نمایند. در حقیقت مخالفان صدام به کمک یک کشور همسایه نیاز داشتند، تا از حرکت سیاسی و نظامی و تبلیغاتی آنها در مناطق آزادشده جنوب و شمال عراق پشتیبانی کند.

به نظر شما آیت‌الله حکیم و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق از سرنگونی رژیم صدام چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟

برخی اهداف شهید محراب آیت‌الله حکیم، کوتاه‌مدت و برخی دیگر بلندمدت بودند. اهداف درازمدت را راهبردی توصیف می‌کرد و چشم‌پوشی از آن را جایز نمی‌دانست. برپایی حکومت اسلامی و تضمین حقوق اساسی و عادلانه مردم مسلمان عراق بخشی از این اهداف را تشکیل می‌دادند. همچنین آزادی عقیده و بیان، حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و آزادی برپایی عبادات، مهم‌ترین حقوق مردم عراق به شمار می‌آیند.

شهید آیت‌الله حکیم درباره شکل و ماهیت حکومت عراق پس از سرنگونی رژیم صدام چه نگرشی داشت؟

شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر که انقلاب اسلامی در عراق را رهبری کرد، راهی را پیمود که امام خمینی پیش از او پیموده بود. شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم نیز در اندیشه اصیل اسلامی خود، این راه را الگو و سرمشق خود قرار داده بود.

او عقیده داشت که انقلاب اسلامی مردم مسلمان عراق، باید در پرتو مرجعیت دینی و سیاسی حرکت کند، و این مرجعیت دینی است که می‌تواند توده مردم را